

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی با تکیه بر داستان‌نامه بهمنیاری

علیرضا حاجیان‌نژاد^۱ سیده مژگان بهزادیان^۲

(دریافت: ۱۳۹۸/۷/۶ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۳)

چکیده

ضرب‌المثل‌ها با آنکه ساختاری روان و معنایی روشن و قابل فهم دارند، ولی گاه بهره‌گیری از برخی عناصر بلاغی علاوه بر اینکه ضرب‌المثل‌ها را زیباتر و مؤثرتر کرده به مفاهیم آن‌ها عمق و ژرفا بخشیده و آن‌ها را قابل تأمل‌تر کرده است. یکی از این عناصر نماد است. در این مقاله به واکشایی نقش نمادین حیوانات در ضرب‌المثل‌ها پرداخته می‌شود. هدف از این پژوهش، تحلیل کیفیت و کمیت بهره‌گیری از نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های کتاب داستان‌نامه بهمنیاری است و مسئله آن اینکه از نمادهای جانوری در ساخت ضرب‌المثل‌ها چقدر بهره گرفته شده است. بدنه اصلی مقاله را ارائه نمودارهای آماری و تحلیل نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌ها تشکیل می‌دهد که در آن‌ها نام حیوانات گوناگون در زیرگروه‌های حیوانات اهلی، حیوانات غیراهلی، پرندگان و حشرات ذکر شده است. پژوهش حاضر کتابخانه‌ای است و به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش‌های آماری با مطالعه ۶۰۴۷ ضرب‌المثل از کتاب بهمنیاری به انجام رسیده و در پایان این نتیجه حاصل شده است که از نظر کمی بهره‌گیری از نمادهای جانوری مربوط به حیوانات اهلی با ۴۸/۶ درصد بیشترین و پرندگان با ۸/۷ درصد کم‌ترین بسامد را داشته‌اند و نیز از دلایل روی آوردن به کاربرد نمادهای جانوری در

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

*hajiannjd@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

ضرب‌المثل‌ها می‌توان به عینیت بخشیدن و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی، جذابیت ضرب‌المثل‌ها، ایجاز کلام و پرهیز از صراحت لهجه و تلطیف مفاهیم نیش‌دار، اشاره کرد. **واژه‌های کلیدی:** ضرب‌المثل، نماد، *داستان‌نامه بهمنیاری*، نماد جانوری.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات شفاهی ضرب‌المثل است که ضمن آن معانی عمیق و مفصل که معمولاً حاوی مضمونی اخلاقی و اجتماعی است به‌صورتی مؤجز، روان و روشن به مخاطب القا می‌شود. «ضرب‌المثل عموماً ساختار محکم و روان، معنای کنایی و کاربرد عام دارد؛ یا به عبارت دقیق‌تر، به‌سبب روانی لفظ و روشنی معنی و لطف ترکیب، قبول عام یافته است» (شریفی، ۱۳۹۵: ۵۹۱).

با آنکه ضرب‌المثل‌ها در بیشتر موارد معنی روشنی دارند؛ ولی از جنبه ادبی بی‌بهره نیستند. تکرار کاربرد کنایی و استعاری بعضی پدیده‌ها، اشیا و القای مفاهیمی خاص در بهره‌گیری از آن‌ها سبب شکل‌گیری معانی نمادین آن‌ها می‌شود؛ به شیوه‌ای که آن پدیده‌ها معانی دیگری غیر از معنای اصلی خود را به ذهن مخاطب القا می‌کنند و این همان چیزی است که به آن «نماد» می‌گوییم. «در زبان‌شناسی بیشتر نماد را نشانه‌ای دانسته‌اند که به موضوع از راه قراردادی یا قانون و قاعده‌های محکم و از راه هم‌بستگی با ایده‌هایی کلی وابسته شود» (احمدی، ۱۳۷۱: ۴۱).

از نماد^۱ تعاریف گوناگون و تقسیم‌بندی‌های متعدد ارائه شده است؛ ولی این تعریف به مفهوم موردنظر ما نزدیک‌تر است که می‌گوید: «آنچه را که ما سمبول می‌نامیم عبارت است از: یک اصطلاح، یک نام و حتی یک تصویری که ممکن است نماینده‌ی شیء یا چیزی در زندگی روزانه باشد و با این حال علاوه بر معنی آشکار و معمولی خود معانی تلویحی به‌خصوص نیز داشته باشد» (یونگ، ۱۳۵۲: ۳۳).

براهنی سمبول‌ها را به سمبل‌های قراردادی که ساخته و پرداخته ذهن گذشتگان است و طی قرن‌ها قسمتی از فرهنگ و شعر و تمدن ما را تشکیل می‌دهد و نوع دوم سمبل‌هایی که مخلوق ذهن شاعرند تقسیم کرده است (براهنی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۲۱ - ۱۲۲).

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

در این پژوهش، ما به نمادها و سمبل‌هایی از نوع اول سروکار داریم؛ یعنی آن‌ها که طی قرن‌ها جزئی از فرهنگ فارسی‌زبانان شده و در ساختار ضرب‌المثل‌ها جای گرفته است.

فتوحی به نقل از فرهنگ‌نامه ادبی در یک طبقه‌بندی به چهار دسته از نمادها اشاره می‌کند که از میان آن‌ها «نمادهای استعاری» با مفهوم موردنظر ما از نماد در ضرب‌المثل‌ها تطابق بیشتری دارد. «نماد استعاری^۲ که هم دلالتگر است، هم صورتی طبیعی به همراه دارد؛ مثل روباه که می‌تواند به صورت استعاره بر شخص مکار و حیله‌گر دلالت کند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۸۹).

در ضرب‌المثل‌های فارسی گاهی شخصیت نمادین جانوران همراه با موقعیت زیستی و واکنش‌های طبیعی جلوه کرده و گوینده در القای مفاهیم موردنظر خطاب به مخاطب ضرب‌المثل از این بیان نمادین بهره گرفته است.

جانوران، همواره به عنوان نمادهای ناخودآگاهی جمعی و هم به عنوان نمادهای قراردادی، اقلیمی و گاه شخصی، نقش‌های متفاوت طبقات و گروه‌های انسانی را به عهده گرفته‌اند و حتی در نقش‌های مجازی خود در آثار هنری و ادبیات بسیاری از کشورها، تثبیت و جاودان شده‌اند (سلاجقه، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

بسیاری از ضرب‌المثل‌های فارسی ساخته و پرداخته مردم کوچه و بازار است و تعامل نزدیک آنان با جانوران اهلی و خانگی و پندار و تلقی آنان از جانوران اهلی و وحشی و عقاید آنان نسبت به منش و رفتار حیوانات گوناگون نوعی تلقی نمادین را از جانوران در ذهن و زبان مردم رقم زده که در ضرب‌المثل‌ها نمود پیدا کرده است. «فابل»‌ها یا همان حکایاتی که مردم درباره برخی حیوانات نقل می‌کنند در شکل‌گیری بعضی ضرب‌المثل‌ها مؤثر است. «گاهی حکایت آنقدر کوتاه است که همچون ضرب‌المثل به نظر می‌آید و در اصل ضرب‌المثل شده است مانند حکایت زاغی که خواست راه رفتن کبک را بیاموزد و راه رفتن خود را فراموش کرد» (تقوی، ۱۳۷۶: ۸۸).

۱-۱. بیان مسئله

ضرب‌المثل اگرچه به سبب رواج در میان مردم کوچه و بازار باید زبانی صریح و روشن داشته باشد؛ ولی همیشه این گونه نیست و گاه بیان غیرمستقیم با به کارگیری آرایه‌هایی

چون کنایه، مجاز، استعاره و نماد به ضرب‌المثل‌های فارسی جنبه ادبی و عمق و ژرفای بیشتری بخشیده و بر قدرت تأثیرگذاری آن افزوده است.

به نظر می‌رسد بهره‌گیری از نمادها به‌ویژه از نوع نمادهای قراردادی یا عمومی^۳ که «در ادبیات ملل مختلف، گاه حتی در ادبیات جهان، معنایی مشخص، تثبیت‌شده و قاموسی یافته‌اند» (حسن‌پور آلاشتی و آقابابایی رودباری، ۱۳۹۶: ۴۶) به ضرب‌المثل‌های فارسی عمق و قدرت تأثیرگذاری بیشتری داده است و در تعداد قابل‌توجهی از مثل‌های فارسی این‌گونه نمادها به‌ویژه با بهره‌گیری از انواع جانوران به چشم می‌خورد.

مسئله پژوهش حاضر این است که کمیت و کیفیت بهره‌گیری از نماد جانوران در مثل‌های فارسی چگونه است؟ و با چه انگیزه‌ها و دلایلی از نمادهای جانوران در ضرب‌المثل‌های فارسی بهره گرفته شده است.

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

توجه به ادبیات عامه به‌ویژه ضرب‌المثل‌ها که بیانگر روحیات اجتماعی و عقاید و افکار مردم کوچه و بازار است، می‌تواند در شناخت هرچه بیشتر اندیشه‌های اجتماعی ایرانیان موثر باشد. تعامل انسان‌ها با عناصر طبیعت به‌ویژه جانوران تلقی خاصی از منش و شخصیت نمادین جانوری را در ذهن و زبان مردم رقم می‌زند که در بیان اندیشه‌های اخلاقی و بروز نگاه اجتماعی آنان دست‌مایه تصویرسازی می‌شود. واکاوی انواع کاربرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌ها ما را با چگونگی تعامل فارسی‌زبانان با جانوران در طول تاریخ و در گستره جغرافیایی سرزمین ایران بیشتر آشنا می‌کند. پژوهش حاضر نیز شامل بررسی نمادین جانوران اساطیری و وهمی در کتاب *داستان‌نامه بهمنیاری* می‌شد که به دلیل رعایت اختصار از ارائه آن چشم می‌پوشیم.

۳-۱. روش تحقیق

شیوه اجرای این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و با روش‌های آماری و ارائه نمودار با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به‌ویژه با تکیه بر ضرب‌المثل‌های کتاب *داستان‌نامه*

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

بهمنیاری (بهمنیار، ۱۳۶۱) انجام می‌گیرد و تمامی مثال‌های ذکرشده از ضرب‌المثل‌های این کتاب با شماره ضرب‌المثل در مقابل آن انتخاب شده است.

۲. پیشینه تحقیق

در کتاب‌ها و مقالات فراوانی درباره نماد بحث شده است و پژوهشگران تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از آن ارائه داده‌اند. در کتاب‌های مربوط به مکتب‌های ادبی به‌ویژه در بحث سمبولیسم به این مقوله پرداخته شده است؛ از آن جمله می‌توان به کتاب مکتب‌های ادبی (شمیسا، ۱۳۹۱) و بلاغت تصویر (فتوحی، ۱۳۸۵) اشاره کرد.

ذوالفقاری علاوه بر پژوهشی جامع که در مقدمه فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی درباره ضرب‌المثل‌ها ارائه داده است، در بخش نمایه کلیدواژه‌ها و موضوعات شماره و تعداد کاربرد نام جانوران را هم در ضرب‌المثل‌ها ذکر کرده است که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ج ۱ و ۲).

تقوی هم در کتاب حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی فابل‌ها را تا قرن دهم بررسی کرده است که در بازنمایی نگاه فارسی‌زبانان به ویژگی‌های حیوانات قابل توجه است (تقوی، ۱۳۷۶).

از مقالات گوناگون که به‌طور مستقیم به بحث نمادهای جانوری پرداخته‌اند، مقاله «جستاری در چگونگی کارکرد نمادهای جانوران در اشعار صائب تبریزی و بیدل دهلوی» (سلاجقه، ۱۳۹۰) و مقاله «نمادهای جانوری در متون عرفانی با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولوی» (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۲) و مقاله «نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب‌المجالس» (محمودی و الیاسی، ۱۳۹۶) به موضوع مقاله حاضر نزدیک‌تر است؛ ولی با توجه به جست‌وجوهای گسترده نگارندگان، پژوهشی در موضوع مقاله حاضر که بهره‌گیر از نمادهای جانوران در ضرب‌المثل‌های فارسی را بررسی و تحلیل کرده باشد، موجود نبود.

۳. بحث

در بررسی نمادهای جانوران در ضرب‌المثل‌ها دو نکته حائز اهمیت است؛ یکی اینکه منظور از کاربرد نماد در ضرب‌المثل‌ها، نمادهای قراردادی و عمومی است که در طول

تاریخ زندگی یک ملت به وسیله همه مردم ساخته و پرداخته شده است: مانند (مار) که در ذهن قوم ایران نماد گزندگی و آسیب رسانی و بدسرشتی است در ضرب المثل‌هایی از این دست:

- مار پوست خود را می‌گذارد، اما خوی خود را نمی‌گذارد (۴۶۱۱).

و نمادهای شخصی و خصوصی که به وسیله یک شاعر مشخص ساخته می‌شود و فقط در فضای شعر او قابل دریافت نمادین است در این مقوله جای نمی‌گیرد؛ مانند «کلاغ» که در این شعر شاملو

چرخ مردگی پرجوش و جنجال کلاغان و
سپیدی دانه گوی برف...

در سفره تکانده بر مرز کثرت تنها حادثه است (شاملو، ۱۳۷۸: ۱۰۰۰). می‌تواند «نماد افراد پست و فرومایه و در عین حال یکه‌تاز میدان» (حسن‌لی و اکبری، ۱۳۸۶: ۸۰) باشد و ممکن است در دیگر آثار ادبی این مفهوم نمادین را به ذهن متبادر نکند.

نکته دیگر در بررسی نمادهای جانوران در ضرب المثل‌ها این است که باید توجه داشت حضور جانوران همواره در ضرب المثل‌ها، نمادین نیست. در نمونه بعدی «خر» نماد نادانی و احمق بودن است:

- خر کجا ناموس تقوی از کجا (۲۱۸۸).

اما در نمونه زیر «خر» به مثابه نماد به کار نرفته است.

- خرش از پل گذشت دیگر کسی را نمی‌شناسد (۲۱۸۲)، یعنی مشککش رفع شد به کسی اعتنا نمی‌کند.

در این پژوهش با یک بررسی دقیق آماری از میان تمامی ۶۰۴۷ ضرب المثل ذکر شده در کتاب *داستان‌نامه بهمنیاری* تعداد ۷۹۰ ضرب المثل که نام جانوران در آن‌ها به کار رفته است در چهار گروه ۱. حیوانات اهلی، ۲. حیوانات غیر اهلی، ۳. پرندگان و ۴. حشرات تقسیم‌بندی شده و بسامد حیوانات هر گروه به طور مجزا مشخص شده است و نهایتاً ضرب المثل‌های مورد نظر از دیدگاه نمادین بررسی و تحلیل شده است.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

۳-۱. حیوانات اهلی

نام نه حیوان اهلی در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری آمده است که به ترتیب بیشترین تعداد کاربرد آن‌ها عبارت‌اند از: خر، سگ، شتر، گاو، اسب، گربه، بُز، گوسفند و قاطر. نام این جانوران در مجموع ۴۳۱ بار در ضرب‌المثل‌ها به کار رفته و در ۲۱۳ مورد بیانگر تصویری نمادین از این جانوران است.

بسامد نام حیوانات اهلی از دیگر جانوران در پژوهش حاضر بیشتر است و این امر می‌تواند ناشی از برخورد مداوم و هم‌زیستی شبانه‌روزی جامعه سستی ایران با این جانوران باشد. بهره‌گیری مردم کوچه و بازار از این گونه جانوران و در معرض دید بودنشان موجب شده است که جایگاهی ثابت و پرتکرار در ضرب‌المثل‌های فارسی داشته باشند.

۳-۱-۱. خر/ الاغ (نماد حماقت و حقارت)

واژه خر/ الاغ ۱۶۵ بار در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری تکرار شده که دارای بیشترین بسامد در میان تمام جانوران است. از این تعداد در ۸۵ مورد از واژه خر برای بیان تصویری نمادین استفاده شده است. در اغلب موارد خر نماد حماقت و نادانی است و مضرب مثل وقتی است که گوینده می‌خواهد ابلهی و احمقی کسی را به تصویر بکشد. بهره‌گیری از نماد «خر» در ضرب‌المثل‌های زیر به مفهوم انتزاعی نادانی، تجسمی ملموس و محسوس می‌بخشد.

* خر چه داند قیمت نقل و نبات! (۲۱۵۳).

* یاسین به گوش خر می‌خواند (۵۹۳۰ و ۲۲۰۸).

در تعداد دیگری از مثل‌ها خر نماد حقارت و پستی است و منظور گوینده نسبت دادن فرومایگی و پستی به کسی است که درباره او سخن می‌گوید. در این گونه ضرب‌المثل‌ها گوینده با بهره‌گیری از نماد حیوانی مفاهیم گسترده و مشروح را م‌جزتر و البته مؤثرتر بیان می‌کند.

* طوق زرین همه در گردن خر می‌بینم (۳۶۵۴، ۴۰۲۴ و ۵۶۴۸).

چنین تصاویر نمادینی از خر در بیشتر فرهنگ‌های بشری به چشم می‌خورد. مؤلف کتاب فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور این معانی سمبلیک را برای خر برشمرده است: «بدتباری، بردباری، بی‌ادبی، تواضع، پستی، حماقت، خدمت، خودسری، دشمنی، سخت‌کاری، فاقد شأن و مقام، کینه‌توزی، لجاجت» (جابر، ۱۳۹۷: ۳۵).

هم‌زیستی مداوم این حیوان با انسان به‌ویژه مردم کوچه و بازار سبب شده است که واژه خر دست‌مایه تصویرسازی‌های فراوان در مثل‌های فارسی شود، اگرچه ممکن است بیانگر نماد خاصی نباشد.

* خر عاریه را یک‌وری سوار می‌شوند (۲۱۸۷).

* به حرف ما نه خری وامی‌کنند نه خری می‌بندند (۸۸۲، ۲۱۸۲ و ۱۰۷۴).

۳-۱-۲. سگ (نماد پستی و پلیدی و اخلاق بد و گاهی وفاداری)

واژه سگ ۱۰۰ بار در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری به‌کار رفته است و در ۵۹ مورد بیانگر تصویری نمادین است. سگ در بعضی مثل‌ها نماد نجس بودن، فرومایگی و پستی است و مورد استفاده آن وقتی است که می‌خواهند نهایت پستی و پلیدی را به کسی نسبت دهند. چنین نگاهی نسبت به سگ احتمالاً از فرهنگ دینی و اسلامی نشئت گرفته است. «در باورهای دینی (جز وندیداد) سگ از جانوران پلید است که باید از آن دامن برچید و فاصله گرفت، مگر اینکه آن را تعلیم دهند و زمام اختیار آن را در دست گیرند و به‌عنوان سگ چوپان یا نگهبان به خدمت انسان درآید» (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

* سگ به دریای هفت‌گانه بشوی چون که تر شد پلیدتر گردد (۳۱۹۷، ۳۴۵۷ و ۲۶۹۲).

سگ گاهی نماد اخلاق بد و حال نامساعد است. در مثل‌های زیر چنین برداشتی از کاربرد واژه سگ می‌توان داشت. برداشتی که با بهره‌گیری از نماد که یک عنصر بلاغی است مؤثرتر و برجسته‌تر شده است.

* حال فاطمی حال سگ (۱۹۲۷).

* پوست سگ به رویش کشیده (۱۳۳۵).

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

سگ همیشه نماد مفاهیم منفی نیست؛ بلکه وفاداری و نمک‌شناسی، مفاهیم مثبتی است که در بعضی تصاویر نمادین با واژه سگ ساخته می‌شود.

* سگ نمک‌شناس بهتر از آدم نمک‌شناس (۳۲۳۴).

* سگ از مردم مردم‌آزار به (۳۱۹۳، ۱۰۵۶ و ۳۵۶۲).

انس همیشگی و هم‌زیستی سگ با انسان در طول تاریخ گاه از او چهره‌ای مثبت در اذهان مردم نقش کرده است. «سگ نماد وفاداری است و در این معنا اغلب آن را در کنده‌کاری‌های مقبره‌های سده‌های میانه، در پیش پای زنان ترسیم کرده‌اند؛ همان گونه که شیر وابسته به جنس مرد و نماد ارزشمند بودن است» (سرلو، ۱۳۸۹: ۴۸۳).

سگ به‌منزله نگهبان گله و خانه و نیز یاریگر در شکار و... دست‌مایه تصویرسازی‌های زیادی در فرهنگ عامه بوده و به‌ویژه در مثل‌های فارسی نمود یافته است. در مثل‌های زیر نقش کاربردی سگ را در تصویرسازی‌های متنوع می‌بینیم؛ اگرچه الزاماً حالتی نمادین ندارند.

* اگر به نگاه کردن می‌شد یاد گرفت سگ قصاب می‌شد (۴۲۵).

* سگی که پارس می‌کند گاز نمی‌گیرد (۳۲۴۰ و ۲۰۴).

۳-۱-۳. شتر (نماد هیکل‌مندی، بزرگی و بدقوارگی)

شتر در ضرب المثل‌های کتاب بهمنیاری ۴۸ بار تکرار شده و در ۳۰ مورد بیانگر تصویری نمادین است. شتر نماد درشت‌اندami، هیکل‌مندی و گاه از همین منظر نشان بدقوارگی و بدترکیبی است. در ضرب المثل‌های زیر کاربرد نماد جانوری علاوه بر اینکه مفهومی انتزاعی را ملموس کرده به‌نوعی از صراحت و تندی کلام که ممکن است باعث رنجش مخاطب شود، می‌کاهد.

* مگر شتر به شیشه می‌کنند (۴۹۶۵).

* شتر را با ملاقه آب می‌دهد (۳۳۸۵ و ۱۰۵۰).

شتر در بعضی ضرب المثل‌ها به‌منزله انسان‌های بزرگ و صاحب‌مقام و ثروت هم به‌کار رفته است؛ بزرگانی که هم‌نشینی با آنان ممکن است آدمی را دچار زحمت و سختی کند.

* دمش را به دم شتر بسته است (۲۵۸۳ و ۵۶۴۵).

شتر به دلیل هیکل ناساز و بدقوارگی اش نمادی برای عدم تناسب شده است. در مثل‌های زیر تصویرهایی نمادین از بی‌تناسبی و ناسازواری با بهره‌گیری از بدقوارگی شتر ساخته شده است. بهره‌گیری از شیوه مخاطبه و گفت‌وگو در ضرب‌المثل‌های زیر به تأثیر کلام افزوده است.

* به شتر گفتند: گردنت کج است، گفت: کجایم راست است؟ (۱۰۶۳ و ۲۶۰).

به همین سبب انجام کارهای ظریف و هنری از شتر نمی‌توان انتظار داشت:

* شتر را چه به علاقه‌بندی (۳۳۸۸).

در ضرب‌المثل‌های بسیاری هم شتر دست‌مایه تصویرسازی‌های متفاوت شده است که اگرچه بیانگر نمادی نیست؛ ولی حکایت از نقش مؤثر این حیوان در زندگی و ذهن و زبان مردم دارد.

* چشم شور، شتر را به دیگ می‌کند و آدم را به گور (۱۸۰۵ و ۳۳۹۵).

۴-۱-۳. گاو (نماد حماقت و بزرگی)

گاو ۳۷ بار در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری به کار رفته است و در نه مورد مفهومی نمادین دارد. گاو مانند خر گاهی نماد حماقت و بی‌لیاقتی است.

* گاوی که سزای کاه باشد کنجد دهی اش گناه باشد
(۴۳۲۷).

* گاو لوزینه چه داند (۴۳۲۶).

از این منظر گاو و خر در نگاه مردم هم‌قطار به‌شمار می‌آیند. در مثل‌های زیر به هم‌نشینی گاو و خر اشاره شده است و بهره‌گیری نمادین از آن‌ها به سبب ایجاز در بیان مفاهیم بر تأثیر کلام افزوده است.

* گاو و خرن بار بردار به زآدمیان مردم آزار
(۴۳۱۴ و ۱۴۶۶).

گاو نماد بزرگی هم هست به‌ویژه وقتی که مقدار گوشتش با گوشت گنجشک مقایسه شود.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

* چهل گنجشک با زاق و زوقش نیم من است گاو بکش که تای رانش یک من است (۱۸۹۳ و ۵۰۸۹).

۳-۱-۵. اسب (نماد مقام و مرتبه و برتر)

اسب ۲۸ بار در ضرب المثل‌ها به کار رفته است و فقط در چهار مورد نماد مقام و مرتبه برتر است. در مثل‌های زیر واژه نمادین «اسب» در عین کوتاهی مفاهیم گسترده‌ای از اصالت، مقام و رتبه والای خانوادگی، سابقه درخشان کاری و بسیاری مفاهیم مثبت دیگر را به ذهن متبادر می‌کند و با کاربرد آن هم کلام مؤجز شده و هم مفهومی انتزاعی، تجسم عینی یافته است.

* از اسب پیاده نشده و بر خر سوار شده (۱۷۹).

* از اسب افتاده از اصل نیفتاده (۱۷۸ و ۷۶۳).

اسب در تصویرهای دیگر به کار رفته در ضرب المثل‌ها بیانگر صفات مثبت و پسندیده است و از جانوران محبوب در نزد مردم به شمار می‌رود و این برداشت از نظر اجتماعی و روانی مهم است، چون در میان حیوانات اهلی باشعورتر تلقی می‌شود. در کتاب فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور هم معانی سمبلیک مثبتی مثل سرعت، فهم و شعور، ثروت و موفقیت به اسب نسبت داده شده است (جایز، ۱۳۹۷: ۲۲).

* اسب نجیب را یک تازیانه بس است (۲۳۱).

* یار قدیمی اسب زین کرده است (۵۹۱۸ و ۲۶۳۶).

۳-۱-۶. گربه (نماد حقارت، فرصت طلبی و بی‌حیایی)

گربه در زندگی سنتی ایرانی حضور دارد و برای دفع مضرت موش مهم است؛ ولی در ضرب المثل‌های فارسی نماد حقارت، طمع‌ورزی، فرصت طلبی و بی‌حیایی است. در نمونه زیر ضعف و حقارت گربه به تصویر کشیده شده است و در آن‌ها بهره‌گیری از نماد «گربه» از صراحت و تندی مفاهیم ضعف و حقارت کاسته است و با القای نوعی بیان طنزآلود، انتقال مفهومی گزنده را تلطیف کرده است.

* خیز گربه تا در کاهدان است (۲۳۲۰).

- * از دعای گربه سیاه باران نمی بارد (۲۴۱، ۳۳۶۷ و ۴۳۶۱).
- در نمونه های دیگر گربه نمادی برای خیانت، فرصت طلبی و بی حیایی است.
- * گربه را دنبه سپردن ابلهی است (۲۵۹۵).
- * گربه مسکین اگر پر داشتی تخم گنجشک از زمین برداشتی (۴۳۷۰ و ۲۴۰۳).
- گربه گاه در ضرب المثل ها دست مایه تصویرسازی می شود و به ویژه به سبب دشمنی که بین آنان است در تقابل با سگ یا موش قرار می گیرد.
- * مثل سگ و گربه دست و پای هم را می جوند (۴۷۱۵ و ۵۱۴۸).

۷-۱-۳. بُز (نماد ضعف و عدم توانایی و ناشایستگی)

- بُز از قدیم ترین نمادهای حیوانی به کار رفته در متون ادبی ایرانیان است. «در داستان «درخت آسوریک» در مقابل درخت نخل، نماد گیاهی، بز قرار دارد که نماد حیوانی این داستان کهن است» (محمودی و الیاسی، ۱۳۹۶: ۵۸).
- * خرمن کوفتن کار بز نیست (۲۱۹۸).
- * یک بز گر گله را گر می کند (۵۹۴۶ و ۵۲۹).

۸-۱-۳. گوسفند / میش (نماد رعیتِ مظلوم)

- * شبان خفته و گرگ در گوسفند (۳۳۳۲).

۲-۳. حیوانات غیر اهلی

حیوانات غیر اهلی اگرچه در تعاملی روزانه و مداوم با انسان نیستند؛ ولی به دلیل بعضی ویژگی های خاص و منحصر به فردشان، در ضرب المثل ها جایگاهی به خود اختصاص داده اند. عامه مردم برای بیان افکار و اندیشه های خود از ویژگی های برساخته حیوانات غیر اهلی در ضرب المثل ها بهره جسته اند و تعدادی از آنان را نماد ویژگی هایی خاص قرار داده اند.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

از حیوانات غیراهلی ۱۷ جانور در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری حضور دارند و نام آن‌ها در مجموع ۱۹۷ بار تکرار شده و از این تعداد در ۱۳۲ مورد تصویری نمادین ساخته شده است.

۳-۲-۱. شیر (نماد قدرت، شجاعت و اصالت)

شیر در تمامی ۳۵ مورد به‌کار رفته در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری کاربردی نمادین دارد و در همه موارد نماد قدرت و شجاعت است. چنین تصویری از شیر در شعر و ادبیات هم کاملاً بارز است. دمیری کتاب *حیوه/حیوان* را بدون رعایت ترتیب حروف با نام شیر شروع می‌کند و می‌نویسد: «با این حیوان شروع کردیم؛ زیرا اشرف حیوانات وحشی است. به‌خاطر شجاعت، قساوت و شهامت شیر جایگاه آن در میان جانوران، جایگاه پادشاه باهویت است» (دمیری، ۱۴۲۴ق: ۱/ ۱۰). در نمونه‌های زیر تقابل شیر و حیواناتی مانند شغال و روباه که نماد بُزدلی و جُبْن هستند، ویژگی قدرت و شجاعت شیر را بارزتر می‌کند.

* چو بیشه شود خالی از نرّه شیر
شغالان درآیند چست و دلیر
(۱۸۴۳).

* شیری یا روباه (۳۴۸۳ و ۳۴۷۰).

شیر به‌دلیل شجاعت و قدرت دارای اصالت و شرافت هم انگاشته می‌شود، بنابراین نماد انسان‌های اصیل و نژاده است که باید قدر مقام و موقعیت خود را بدانند.

* شیر امیری، سگ دربان مباح (۳۴۶۴).

* شیر نیم‌خورده سگ را نمی‌خورد (۳۴۷۶).

در نمونه‌های زیر هم به‌طور غیرمستقیم قدرت و کفایت شیر مورد توجه قرار گرفته است. در نمونه اول کفایت زن اگرچه شجاعت شیر را داشته باشد، انکار شده و در نمونه دیگر قدرت تجربه از قدرت شیر برتر شمرده شده است.

* زن، زن باشد اگرچه شیر است (۳۰۰۴).

* درهم شکند صولت شیری پیری (۲۴۵۳).

۳-۲-۲. مار / افعی (نماد شرارت، بدذاتی و آسیب‌رسانی)

واژه‌های مار و افعی ۳۵ بار در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری به‌کار رفته و در ۲۱ مورد نماد دشمن شریر و بدذات و آسیب‌رسان است. مار در مثل زیر که نیشش دردآور و کشنده است به زیبایی مفهوم انتزاعی و نمادین شرارت و آسیب‌رسانی را تجسم عینی می‌بخشد.

* ماری تو که هر که را ببینی بزنی (۴۶۲۸).

مار در مثل‌های زیر هم نمادی است که با ایجاز، مفاهیم گسترده‌ای را آینگی می‌کند. شخص بدذاتی که مورد اعتماد قرار می‌گیرد و دشمنی که غیرمستقیم کنترل و مقهور می‌شود.

* مار را توی آستینت راه مده (۴۶۱۸).

* مار به دست دیگران می‌گیرد (۴۶۰۹، ۴۶۱۹ و ۲۵۸۸).

افعی هم که مار بزرگ و هیکل‌مند است در ضرب‌المثل‌ها به‌مثابه نمادی برای نهایت شرارت و آسیب‌رسانی و بی‌پروایی به‌کار رفته است.

* از بس مار خورده افعی شده (۱۹۹).

۳-۲-۳. گرگ (نماد شرارت، ظلم، طمع‌ورزی و خیانت)

گرگ ۳۳ بار در ضرب‌المثل‌ها به‌کار رفته و در ۲۲ مورد بیانگر تصویری نمادین است. گرگ گاهی نماد دشمن شریر و شخص ظالم و خون‌ریز است. در مثل‌های زیر نماد حیوانی گرگ مفاهیم گسترده و انتزاعی فراوانی مانند درندگی، طمع‌کاری، حيله‌گری و ریاکاری را در خود خلاصه کرده است.

* شبان خفته و گرگ در گوسفند (۳۳۳۲).

* توبه گرگ مرگ است (۱۵۹۷، ۳۶۶۲ و ۴۴۰۷).

«در ادبیات عرفانی، گرگ را نماد حسادت، حرص و آز، مردم‌گرفتار نفس، دشمن قهار، جهالت و طمع‌ورزی قرار داده‌اند» (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۲). از همین دیدگاه گرگ گاهی نماد بلایی عظیم است و به‌ویژه آنگاه که در تقابل با گله می‌آید.

* گرگ که به گله زد وای بر آن کس که یک بز دارد (۴۴۰۲).

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

۴-۲-۳. خرس (نماد نادانی، بی‌هنری و نااهلی)

خرس ۱۲ بار در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری تکرار شده است. در هشت مورد نماد از نادانی، بی‌هنری و نااهلی است. گر ترود جابز هم به معانی سمبلیک ناشی‌گری و دوست بی‌تجربه و ناشی بودن خرس اشاره کرده است (جابز، ۱۳۹۷: ۳۶). در مثل‌های زیر نماد حیوانی «خرس» در کاربردی طنزآلود به جذابیت و تأثیر القای پیام افزوده است.

* روستایی اگر ولی بود خرس در کوه به‌وعلی بود
(۲۸۶۹).

* خرس را چه به آهنگری (۲۱۷۵).

* دوستی‌اش به دوستی خاله‌خرسک می‌ماند (۲۶۶۱ و ۲۱۷۳).

در نظر مردم عامه «خرس» از جهت نااهلی و بی‌مغزی همتای «کفتار» دانسته و با آن مقایسه می‌شود.

* میراث خرس به کفتار می‌رسد (۵۱۲۹ و ۷۴۳).

در ضرب‌المثل

* از خرس مویی کندن غنیمت است (۲۳۱)

خرس گویا نمادی برای بخیل بودن در نظر گرفته شده و در ضرب‌المثل زیر هیکل-مندی نماد همراه با نوعی تمسخر نسبت به بازیچه قرار گرفتن خرس در سیرک موردنظر بوده است.

* خرس را به رقص آوردند دم‌بش و به دست آوردند
(۲۱۷۴).

۵-۲-۳. فیل (هیکل‌مندی، بزرگی و قدرت)

فیل در هفت مورد از ۱۲ مورد به‌کاررفته در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری نماد هیکل‌مندی، بزرگی و قدرت است و به‌نظر می‌رسد، درشت‌اندami او بیشتر از هر چیز دیگری در مثل‌ها مورد توجه بوده است.

* فیل را با ملاقه (چمچه) آب می‌دهد (۳۹۵۰).

* فیل و فنجان! (۳۹۵۲، ۳۱۲۳ و ۵۹۳۵).

در بعضی از ضرب‌المثل‌ها فیل نقشی نمادین ندارد و تنها دست‌مایه تصویرسازی شده است.

* فیل خوابی می‌بیند و فیل‌بان خوابی (۳۹۴۹).

* فیلش یاد هندوستان کرده است (۳۹۵۳).

۳-۲-۶. موش (نماد محتاط بودن، جاسوسی و نجاست)

موش ۱۲ بار در ضرب‌المثل‌ها به کار رفته است؛ ولی در سه مورد ذیل به نظر می‌رسد که با آن تصاویری نمادین برای احتیاط زیاد، جاسوسی و نجاست ساخته شده است. نوع زیست موش در لانه‌های تودرتو و رفت‌وآمد محتاطانه‌اش تصویری از احتیاط و رازآمیزی زندگی جاسوسان را به ذهن متبادر می‌کند و تلقی نجاست از این جانور ناشی از تعالیم فقهی اسلام است.

* جایی است که موش هم با عصا راه می‌رود (۱۶۷۷).

* دیوار موش دارد موش هم گوش دارد (۲۷۳۱).

* موش توی چاه آدم و سواسی می‌افتد (۵۰۶۳).

در مواردی هم موش تنها دست‌مایه تصویرسازی قرار گرفته است.

* موش به لانه‌اش می‌رفت جارو به دمش می‌بست (۵۰۶۲).

۳-۲-۷. روباه (نماد حيله‌گری، طمع‌کاری، ضعف و ناکامی)

روباه ۱۰ بار در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری به کار رفته و در شش مورد نماد است. نمادِ حيله‌گری، طمع‌کاری و دغل‌کاری. بنا به نظر نویسنده کتاب فرهنگ جانوران در /دب فارسی «قدیم‌ترین حیوانات ثبت شده در ادبیات فارسی، روباه است» (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۷۶) و استناد او به داستانی از دو هزار سال پیش با زبان سغدی است که از زبان مانی در دوره اشکانیان نقل شده است و روباه در آن نقش حکیمی را به عهده دارد.

* روباه به باغ کاه‌گلی وارد نمی‌شود (۲۸۴۵).

* روباه به دو دست در تله می‌افتد (۲۸۴۶ و ۲۸۴۷).

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

روباه آنگاه که در تقابل با شیر قرار می‌گیرد نماد ضعف و ناکامی است.

* شیری یا روباه (۳۴۸۳).

* سگ کیست روباه نازورمند که شیر ژیان را رساند گزند (۳۲۳۰).

۲-۳-۸. ماهی (نماد سود و منفعت)

ماهی در سه مورد از دوازده مورد به‌کاررفته در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری بیانگر تصویری نمادین از سود و منفعت مادی است. ماهی گرفتن نوعی صیادی کم‌هزینه با سود سرشار است. منفعتی که انسان به‌رایگان از آب به‌چنگ می‌آورد و در تعبیر عامه هست که مثلاً «فلان چیز را از آب که نگرفته‌ام»؛ یعنی فلان چیز را مجانی و به رایگان به‌دست نیاورده‌ام.

* ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است (۴۶۸۱).

* آب را گل می‌کند ماهی بگیرد (۲۹ و ۳۵۸۰).

۲-۳-۹. پلنگ (نماد درندگی، خون‌ریزی و ستمگری)

پلنگ در شش مورد از نه مورد به‌کاررفته در ضرب‌المثل‌ها نماد درندگی، خون‌ریزی و ستمگری است. در کاربرد نماد حیوانی «پلنگ» به ایجاز مفاهیم و تصاویر گسترده‌ای از چنگ و دندان و درنگی و بی‌رحمی و حتی شکل و شیوه شکار پلنگ هم‌زمان به ذهن مخاطب القا می‌شود و این امر بر تأثیر ضرب‌المثل می‌افزاید.

* ترحم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسفندان (۱۴۹۹).

* پلنگ از زدن کینه‌ورتر شود (۱۳۲۱ و ۳۵۸۱).

۲-۳-۱۰. عقرب / کژدم (نماد خبث طینت و آسیب‌رسانی)

عقرب یا کژدم در هفت بار از هشت بار به‌کار رفته در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری مانند مار نماد خبث طینت و آسیب‌رسانی است.

* خصمی کژدم بدتر از اردهاست (۲۲۲۳).

* کژدم از خبث طبیعت بزند نیش به سنگ (۴۱۷۰ و ۵۴۱۴).

۱۱-۲-۳. شغال (نماد حقارت و ناهلی)

واژه شغال هفت بار در ضرب‌المثل‌ها به کار رفته است که در پنج مورد تصویری نمادین از حقارت و ناهلی را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند.
* چو بیشه شود خالی از نره شیر شغالان درآیند چُست و دلیر (۱۸۴۳).

* سگ زرد برادر شغال است (۳۴۱۴).

* انگور خوب نصیب شغال می‌شود (۶۰۲).

۱۲-۲-۳. میمون (نماد فرومایگی، زشتی و ناهلی)

* باقلوا به بوزینه دادن، خریت است (۷۹۶).

* میمون هر چه زشت‌تر است بازی‌اش بیشتر است (۵۷۵۰).

* درودگری کار بوزینه نیست (۲۴۳۰).

۱۳-۲-۳. قورباغه (نماد انسان‌های نوکیسه و بی‌هنر)

* سنگ چرخ خاله قورباغه را گرو کشیده است (۳۲۵۶).

* آب که سربالا می‌رود، قورباغه شعر می‌گوید (۴۶).

۱۴-۲-۳. خرگوش (نماد چالاکی و باهوشی بودن)

* با این همه هوش چرا خرگوش نشدی (۷۲۶).

* با یک دویدن، خرگوش نمی‌توان گرفت (۱۲۱۴).

۱۵-۲-۳. خرچنگ (نماد انسان‌های ازخودراضی)

* به خرچنگ گفتند: چرا کج راه می‌روی؟ گفت: جوانی است و هزار چم‌وخم (۸۹۳).

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

۳-۳. پرندگان

از میان پرندگان ۱۶ پرنده در ضرب‌المثل‌های فارسی حضور دارند و در مجموع ۹۰ بار نام آن‌ها در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری تکرار شده است. در ۳۸ مورد از این تعداد، پرندگان بیانگر تصویری نمادین هستند که در ادامه به تحلیل آن می‌پردازیم.

۳-۳-۱. کلاغ/ زاغ (نماد حقارت، منفور بودن و خبررسانی)

کلاغ و زاغ در مجموع ۱۸ بار در ضرب‌المثل‌ها به‌کار رفته است و در هفت مورد بیانگر تصویری نمادین است. در مثل‌های زیر کلاغ و زاغ نماد حقارت، ضعف و منفور بودن هستند. «عمر طولانی کلاغ در اغلب فرهنگ‌ها معروف و زبانزد است و نیز مردارخواری و طبیعت فرودین او» (یاحقی، ۱۳۸۹: ۶۰۳). همچنین «در ادبیات فارسی، غراب (کلاغ) مظهر سیاهی و شومی و حذر کردن و کراهت منظر نیز معرفی شده است» (همان‌جا).

* هزار کلاغ را کلوخی بس (۵۷۶۰).

* زیغم زد و زاغم زد پس مانده کلاغم زد (۳۰۲۸، ۳۲۳۰، ۶۰۰۰ و...).

بچه‌کلاغ هم در بعضی ضرب‌المثل‌ها در کمال زشتی بسیار محبوب مادر قلمداد می‌شود و برای بچه دوستی افراطی افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

* کلاغ از بچه خودش خوشگل‌تر نمی‌بیند (۴۲۱۵).

* بچه اول مال کلاغ است (۸۷۳).

۳-۳-۲. گنجشک (نماد ضعف، کوچکی و بی‌مقداری)

گنجشک/ چغوک ۱۸ بار در ضرب‌المثل‌ها به‌کار رفته است و در هشت مورد نماد ضعف، کوچکی و بی‌مقداری است. چنین نگاهی به گنجشک از آنجا نشئت می‌گیرد که گنجشک در میان پرندگانی که مردم کوچه و بازار با آن سروکار دارند، کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین پرنده است.

* گنجشک چیست که کله‌پاچه‌اش باشد (۴۴۶۹).

گنجشک در تقابل با عقاب و باز به کار می رود و ضعف و ناتوانی اش بیشتر مشخص می شود.
* به گنجشکی عقابی کی شود سیر (۱۱۱۴ و ۴۴۶۷).

۳-۳-۳. خروس (نماد زن دوستی)

واژه خروس ۹ بار در ضرب المثل ها به کار رفته و در یک مورد نماد توجه به زن و خانواده دوستی است. در معانی سمبلیک خروس به مواردی مثل مواظبت و اصل مردانگی هم اشاره شده است (جایز، ۱۳۹۷: ۳۹) که مؤید این نگاه مردم عامه به خروس است.

* زن نگه داشتن را از خروس باید یاد گرفت (۳۰۱۰).
در باقی ضرب المثل ها خروس فقط دست مایه تصویرسازی قرار گرفته است و بیانگر تصویری نمادین نیست.

* در خراسان خروس مرغ نر است (۲۳۹۵).
* خروس عابدین رفته به هیزم (۲۲۰۱ و ۲۲۰۰).

۴-۳-۳. بلبل (نماد خوش آوازی)

بلبل و عندلیب در پنج مورد از هشت مورد به کار رفته در ضرب المثل ها نماد خوش آوازی است. جالب اینکه در فرهنگ مردم مشرق زمین هم نگاه مشابه به این نسبت به بلبل دیده می شود. بلبل «در ژاپن، خواننده شاد و منادی بهار» (جایز، ۱۳۹۷: ۲۷) تلقی می شود.

* دو بلبل بر گلی خوش تر نوازند (۲۶۲۲).
* می زنم چه چه بلبل که خرم بگذرد از پل (۵۱۳۲ و ۳۸۰۹).

۵-۳-۳. کبوتر / کفتر

کبوتر هشت بار در ضرب المثل های کتاب بهمنیاری به کار رفته و در هیچ موردی به تنهایی نماد واقع نشده است. در مثل های زیر «کفتر» مضاف الیه قرار گرفته است و در این صورت مفهوم دورویی و نفاق را به ذهن مخاطب القا می کند.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

* کفتر دو برجه است (۴۲۰۵).

* مثل کفتر امام رضا دانه از امام رضا می‌خورد توی خانه هارون می‌ریند (۴۷۲۹).
در مثل زیر هم با قید مضاف واقع شدن در ترکیب «کبوتر کاظمین» و «کبوتر حرم» نماد عزیز و محترم بودن است (۴۷۲۷ و ۲۵۷۱).
آزار رساندن به حیوانات به‌ویژه در اماکن مقدس کاری بسیار ناشایست تلقی می‌شود و به همین سبب کبوتران اماکن مقدس مثل حرم امامان را مکانی امن برای خود می‌شناسند. کبوتر به‌تنهایی در ادب فارسی به‌عنوان نماد پیک و قاصد به‌کار رفته و در مجموع پرنده‌ای خوش‌یمن و مبارک است.

۶-۳-۳. غاز (نماد چیزی بهتر و ارزشمندتر)

* مرغ همسایه غاز است (۴۸۵۲).

در مثل زیر هم از روغن غاز که کمیاب و گران‌بهاست به‌منزله یک روغن بهتر و ارزشمندتر از روغن‌ها و پمادهای معمولی یاد شده است که گاهی برای مداوا از آن بهره می‌گیرند و در اینجا یعنی خوش‌آمدگویی و تعریف و تمجید حریفش را می‌کند:
* روغن غاز به تن حریفش می‌مالد (۲۸۸۳).

۷-۳-۳. باز / شهباز (نماد بلندمرتگی و ارزشمندی)

* طمع مدار که گنجشک کار باز کند (۲۶۴۴).

۸-۳-۳. طاووس (نماد مال و نعمت)

* هر که را طاووس باید جور هندوستان کشد (۵۷۰۲).

۹-۳-۳. طوطی (نماد خوش‌زبانی و پرگویی)

* طوطی ز زبان خویش در بند افتاد (۳۶۵۱).

در مثال زیر طوطی در تقابل جغد قرار گرفته است و یکی از وجوه افتراق آن دو می‌تواند خوش‌زبانی طوطی در برابر کم‌حرفی و صدای نامطلوب جغد باشد.

* طوطی با جغد در یک قفس، به هر دو ظلم است (۳۶۴۹).

۱۰-۳-۳. خفاش (نماد محروم بودن از آفتاب حقیقت)

* از همه محروم‌تر خفاش بود (۳۱۸).

۱۱-۳-۳. کبک (نماد تجاهل)

* مثل کبک سرش را زیر برف کرده و به خیالش کسی او را نمی‌بیند (۴۷۲۶).

۱۲-۳-۳. شتر مرغ (نماد بهانه‌گیری و نفاق)

* به شتر مرغ گفتند: بپر. گفت: شترم. گفتند: بار ببر. گفت: مرغم (۱۰۶۲ و ۳۳۹۱).

۱۳-۳-۳. عقاب (نماد قدرت و بزرگی)

* آنجا که عقاب پر بریزد از پشه‌لاغری چه خیزد (۵۳۷ و ۱۱۱۴).

۱۴-۳-۳. بوقلمون (نماد دورویی)

* مثل بوقلمون هر ساعت به رنگی می‌شود (۴۷۰۳).

۱۵-۳-۳. مرغابی (نماد عدم لیاقت و ناشایستگی)

* کدخدای شهر که مرغابی باشد، در آن شهر چه رسوایی باشد (۴۱۵۲).

۴-۳. حشرات

از بین حشرات ۱۲ مورد نمود بیشتری در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری دارند و نامشان در مجموع ۵۷ بار تکرار شده است. از این تعداد در ۴۰ مورد با نام حشرات، تصویری نمادین ساخته شده است.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

۳-۴-۱. مورچه (نماد ضعف و ناتوانی)

* در خانه مور شب‌نمی توفان است (۲۶۶۹).

* ارمغان مور پای ملخ است (۱۷۰).

مور در تقابل با سلیمان جدای از القای تصویر تلمیحی، بیانگر موجود بی‌بهره و ضعیف در برابر حاکم قوی و ثروتمند است.

* مور در خانه خود حکم سلیمان دارد (۵۰۵۷ و ۲۷۸۲).

۳-۴-۲. مگس (نماد مزاحمت و دردسرآفرینی و ضعف و ناتوانی)

در نگاه مردم کوچه و بازار مگس حشره‌ای است که جز مزاحمت و دردسرآفرینی کاری ندارد و هیچ سود و منفعتی از او به انسان نمی‌رسد.

* مردم اهل جهان چون مگسان عسلند (۴۷۹۷ و ۴۹۷۷).

گاهی مگس در تقابل با پرندگان قوی مثل عقاب نماد ضعف و ناتوانی است.

* مگس کجا تواند که بیفکند عقابی (۴۹۸۰).

۳-۴-۳. پشه (ضعف و ناتوانی)

* آنجا که عقاب پر بریزد از پشه لاغری چه خیزد (۵۳۷).

* پشه و باد! (۱۳۱۴)

عمر کوتاه پشه هم حکایت از ناتوانی و ضعف او دارد.

* پشه کی داند که این باغ از کی است (۱۳۱۳).

۳-۴-۴. شپش (نماد حقارت و پستی)

* شپش منیجه‌خانم است (۳۳۶۹ و ۱۷۸۹).

۳-۴-۵. کرم (نماد عیب ذاتی و درونی)

* کرم درخت از درخت است (۴۱۶۳ و ۴۱۶۴).

۳-۴-۶. ملخ (نماد کم‌ارزشی)

ملخ به‌ویژه در ترکیب پای ملخ و ران ملخ، نماد کم‌ارزشی و ناقابل بودن است.
* ارمغان مور پای ملخ است (۱۷۰، ۱۲۶۷ و ۵۴۹۹).

۳-۴-۷. زنبور (نماد آسیب‌رسانی)

نیش زنبور بارزترین ویژگی اوست و به همین دلیل زنبور نماد آسیب‌رسانی در ذهن مردم شده است. جالب اینکه تولید عسل نوعی از زنبور که از پشتوانه اشارات قرآنی هم برخوردار است، هیچ جایگاهی در تصویرسازی نمادین مردم از این حشره نداشته است.

* دم لانه زنبور نشسته است (۲۵۸۷ و ۵۰۰۴).

۳-۴-۸. رتیل (نماد انسان‌های حسود و طماع و شرارت و قاتل بودن)

* روشن شدن چراغ و درآمدن رتیل (۲۸۷۵ و ۴۷۱۱).

۳-۴-۹. عنکبوت (نماد ضعف و ناتوانی)

* عنکبوتی کی تواند کرد سیمرغی شکار (۲۸۱۲).

۴. نتیجه

ضرب‌المثل‌ها آینه تمام‌نمای تجربیات، اندیشه‌ها، سلیقه‌ها و خلیات مردم کوچه و بازار است که طی قرون و اعصار متمادی در بستر فرهنگ زبانی عوام شکل یافته است. بهره‌گیری از نمادهای استعاری و به شکل ویژه‌تر نمادهای جانوری که موضوع مقاله حاضر است، نقش مهمی در خلق تصاویر و القای مفاهیم در ضرب‌المثل‌های فارسی دارد.

در این پژوهش ضمن بررسی آماری ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری که درمجموع ۶۰۴۷ ضرب‌المثل است، مشخص شد که نام ۵۹ جانور در ۷۹۰ ضرب‌المثل به‌کار رفته است و از این تعداد، در ۴۳۷ مورد، ۴۲۳ حیوانات، حضوری نمادین دارند.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

از تحلیل مثل‌هایی که در آن‌ها نماد جانوری به‌کار رفته است این نتیجه حاصل شد که بهره‌گیری از نمادهای حیوانی در ضرب‌المثل‌ها به دلایل ذیل صورت می‌گیرد:

۱. عینیت بخشیدن و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی: کاربرد نماد جانوری گاهی به مفاهیم انتزاعی و دور از ذهن عینیت می‌بخشد و تجسمی ملموس به آن می‌دهد. برای مثال در ضرب‌المثل «دهن سگ به لقمه دوخته به» مفاهیم انتزاعی فراوانی مانند نجاست و فرومایگی و پستی و منفور بودن در واژه «سگ» عینیت و تجسم می‌یابد.

۲. جذابیت ضرب‌المثل‌ها: تلاش ذهنی مخاطب برای کشف مفهوم نمادین یک حیوان باعث نوعی التذاذ ادبی و در نتیجه، جذابیت ضرب‌المثل می‌شود. برای مثال در مثل «عنقا را به دام نتوان گرفت» تلاش ذهنی مخاطب برای مرور پیشینه اساطیری عنقا یا سیمرغ در داستان‌های عامیانه و حماسی و عرفانی و نهایتاً رسیدن به مفهوم غیر قابل دسترس بودن نوعی التذاذ ادبی و ذهنی را برای مخاطب به ارمغان می‌آورد و کلام را جذاب و دلنشین می‌کند.

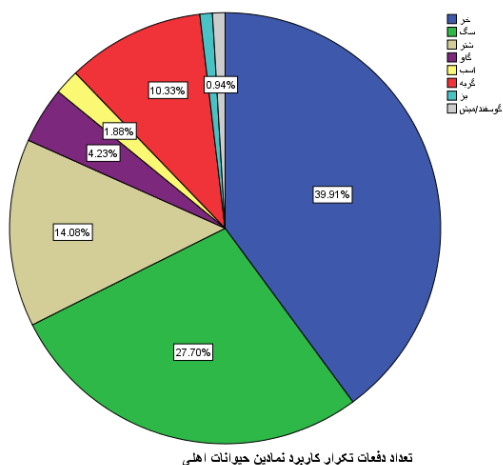
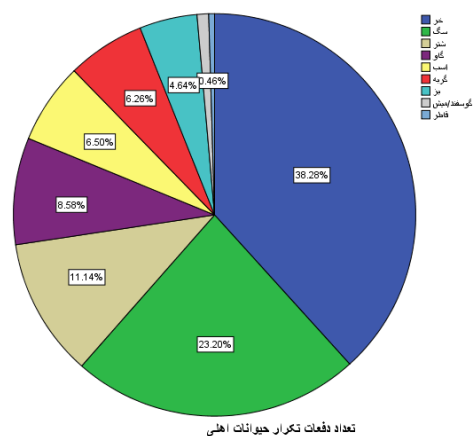
۳. ایجاز کلام: با بهره‌گیری از نمادهای جانوری گاهی مفاهیم گسترده‌ای که معمولاً در چند واژه و جمله به‌کار می‌رود، در نام یک حیوان خلاصه می‌شود. ایجاز از بارزترین ویژگی‌های ضرب‌المثل است و رعایت آن در ساختمان ضرب‌المثل الزامی است.

۴. پرهیز از صراحت لهجه و تلطیف کردن مفاهیم نیش‌دار، کاربرد نماد جانوری گاهی تندی و تیزی کلام را در کاربرد مفاهیم گزنده و نیش‌دار تلطیف می‌کند.

جدول ۱: بسامد و درصد حیوانات اهلی در داستان‌نامه بهمنیاری

حیوانات اهلی	تعداد دفعات تکرار	درصد تعداد دفعات تکرار	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین	تعداد تکرار در فرهنگ ضرب‌المثل - های فارسی ذوالفقاری
خر	۱۶۵	۳۸/۳	۸۵	۳۹/۹	۳۲۰۳
سگ	۱۰۰	۲۳/۲	۵۹	۲۷/۷	۲۲۸۹
شتر	۴۸	۱۱/۱	۳۰	۱۴/۱	۸۷۱
گاو	۳۷	۸/۶	۹	۴/۲	۱۴۴۴

اسب	۲۸	۶/۵	۴	۱/۹	۹۰۳
گربه	۲۷	۶/۳	۲۲	۱۰/۳	۸۳۰
بز	۲۰	۴/۶	۲	۰/۹	۶۵۴
گوسفند	۴	۰/۹	۲	۰/۹	۲۹۷
قاطر	۲	۰/۵	---	---	۱۲۶
کل	۴۳۱	۱۰۰	۲۱۳	۱۰۰	

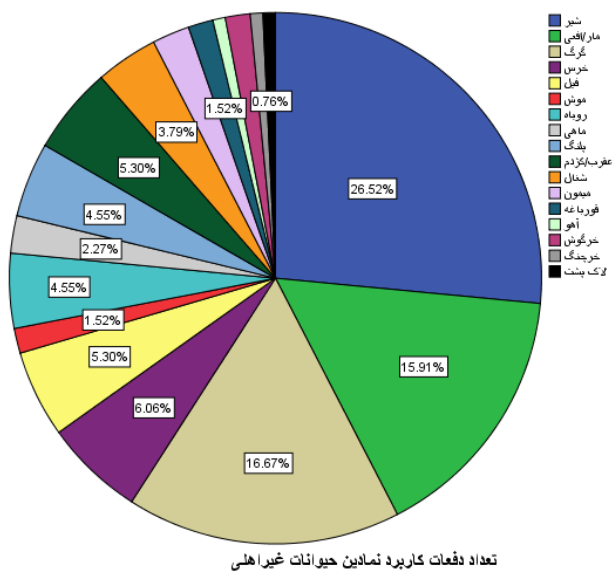
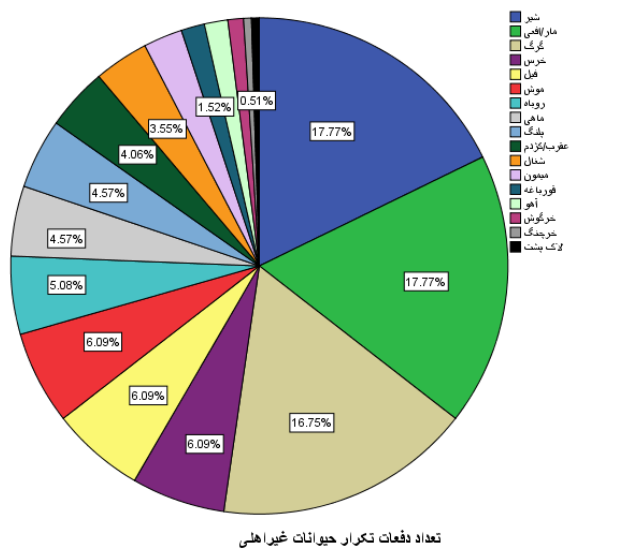


نمودار ۱: بسامد و درصد حیوانات اهلی در داستان‌نامه بهمنیاری

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب المثل های فارسی... علیرضا حاجیان نژاد و همکار

جدول ۲: بسامد و درصد حیوانات غیر اهلی در داستان نامه بهمنیاری

حیوانات غیر اهلی	تعداد دفعات تکرار	درصد تعداد دفعات تکرار	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین	تعداد تکرار در فرهنگ ضرب المثل های فارسی ذوالفقاری
شیر	۳۵	۱۷/۸	۳۵	۲۶/۵	۹۵۹
مار / افعی	۳۵	۱۷/۸	۲۱	۱۵/۹	۷۱۷
گرگ	۳۳	۱۶/۸	۲۲	۱۶/۷	۸۱۱
خرس	۱۲	۶/۱	۸	۶/۱	۲۸۹
فیل	۱۲	۶/۱	۷	۵/۳	۱۵۰
موش	۱۲	۶/۱	۲	۱/۵	۳۸۴
روباه	۱۰	۵/۱	۶	۴/۵	۳۷۵
ماهی	۹	۴/۶	۳	۲/۳	۲۸۸
پلنگ	۹	۴/۶	۶	۴/۵	۱۱۳
عقرب / کزدم	۸	۴/۱	۷	۵/۳	۷۴
شغال	۷	۳/۶	۵	۳/۸	۳۳۳
میمون	۵	۲/۵	۳	۲/۳	۴۰
قورباغه	۳	۱/۵	۲	۱/۵	۱۳۸
آهو	۳	۱/۵	۱	۰/۸	۱۳۳
خرگوش	۲	۱	۲	۱/۵	۷۰
خرچنگ	۱	۰/۵	۱	۰/۸	۳۱
لاک پشت	۱	۰/۵	۱	۰/۸	۴۴
کل	۱۹۷	۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰	

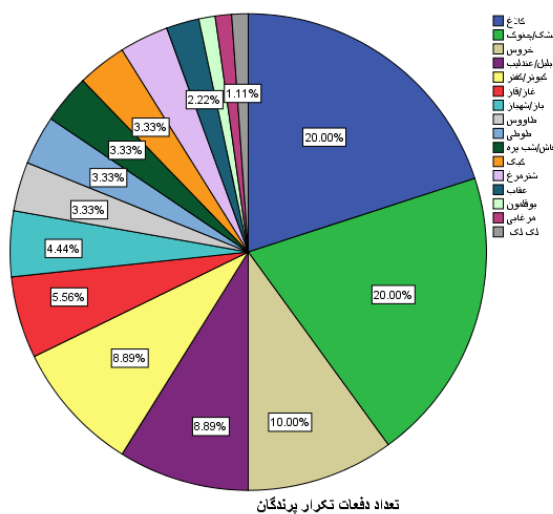
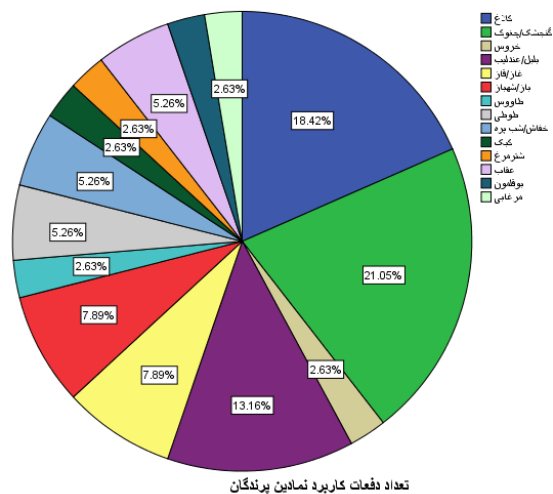


نمودار ۲: بسامد و درصد حیوانات غیر اهلی در داستان‌نامه بهمنیاری

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب المثل های فارسی... علیرضا حاجیان نژاد و همکار

جدول ۳: بسامد و درصد پرندگان در داستان نامه بهمنیاری

پرندگان	تعداد دفعات تکرار	درصد تعداد دفعات تکرار	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین	تعداد تکرار در فرهنگ ضرب المثل های ذوالفقاری
کلاغ	۱۸	۲۰	۷	۱۸/۴	۳۴۵
گنجشک	۱۸	۲۰	۸	۲۱/۱	۲۲۵
خروس	۹	۱۰	۱	۲/۶	۲۷۶
بلبل	۸	۸/۹	۵	۱۳/۲	۱۵۰
کبوتر / کفتر	۸	۸/۹	---	---	۷۵
غاز / قاز	۵	۵/۶	۳	۷/۹	۳۰
باز / شهباز	۴	۴/۴	۳	۷/۹	۱۰۵
طاووس	۳	۳/۳	۱	۲/۶	۵۱
طوطی	۳	۳/۳	۲	۵/۳	۲۸
خفاش / شب پره	۳	۳/۳	۲	۵/۳	خفاش ۱۵ / شب پره ۱۲
کبک	۳	۳/۳	۱	۲/۶	۱۰۴
شتر مرغ	۳	۳/۳	۱	۲/۶	۱۱
عقاب	۲	۲/۲	۲	۵/۳	۳۱
بوقلمون	۱	۱/۱	۱	۲/۶	۵
مرغابی	۱	۱/۱	۱	۲/۶	۲۷
لک لک (لق)	۱	۱/۱	---	---	لک لک ۶۹ / لق ۷
کل	۹۰	۱۰۰	۳۸	۱۰۰	

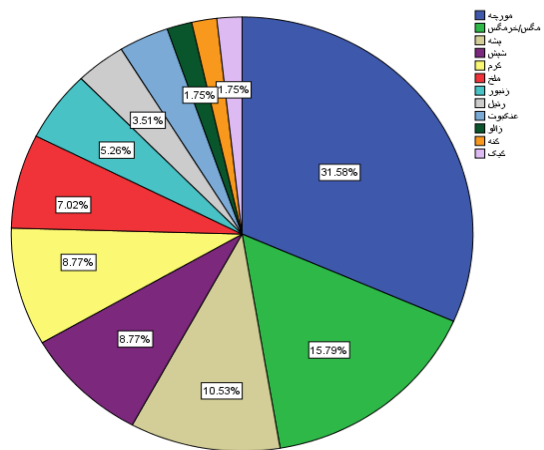


نمودار ۳: بسامد و درصد پرندگان در داستان‌نامه بهمنیاری

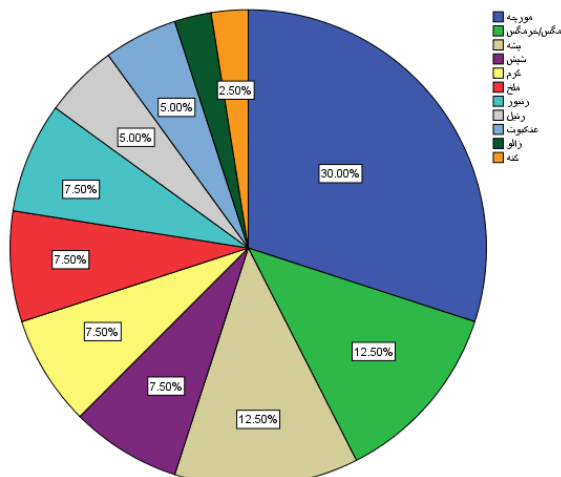
تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب المثل های فارسی... علیرضا حاجیان نژاد و همکار

جدول ۴: بسامد و درصد حشرات در داستان نامه بهمنیاری

حشرات	تعداد دفعات تکرار	درصد تعداد دفعات تکرار	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین	تعداد تکرار در فرهنگ ضرب المثل های فارسی ذوالفقاری
مورچه	۱۸	۳۱/۶	۱۲	۳۰	۱۵۷
مگس	۹	۱۵/۸	۵	۱۲/۵	۱۹۸
پشه	۶	۱۰/۵	۵	۱۲/۵	۱۴۰
شپش	۵	۸/۸	۳	۷/۵	۱۵۹
کرم	۵	۸/۸	۳	۷/۵	۱۳۶
ملخ	۴	۷	۳	۷/۵	۹۲
زنبور	۳	۵/۳	۳	۷/۵	۱۰۳
رتیل	۲	۳/۵	۲	۵	۱۰
عنکبوت	۲	۳/۵	۲	۵	۲۹
زالو	۱	۱/۸	۱	۲/۵	۱۲
کنه	۱	۱/۸	۱	۲/۵	۱۴
کیک	۱	۱/۸	---	---	۲۴
کل	۵۷	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	



تعداد دفعات تکرار حشرات



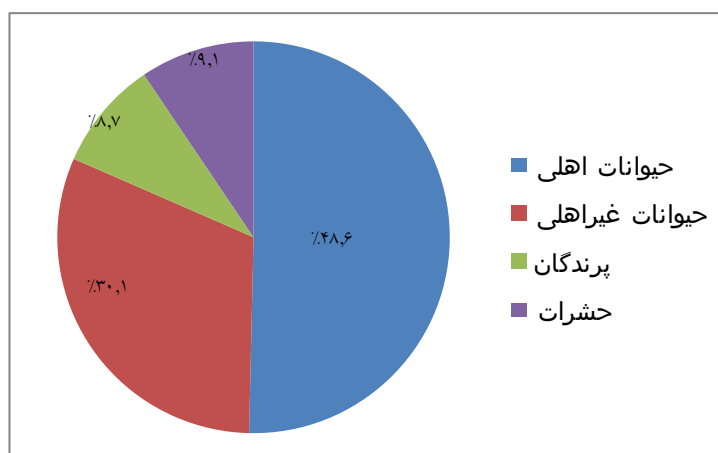
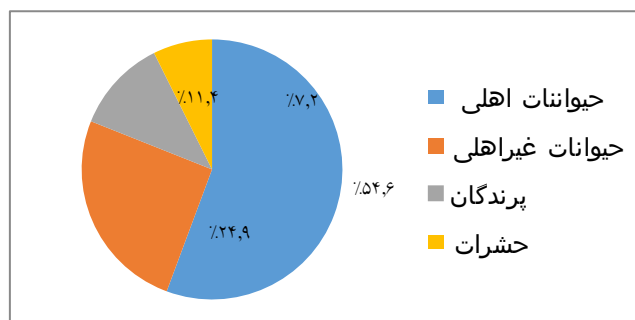
تعداد دفعات کاربرد نمادین حشرات

نمودار ۴: بسامد و درصد حشرات در داستان‌نامه بهمنیاری

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب المثل های فارسی... علیرضا حاجیان نژاد و همکار

جدول ۵: بسامد و درصد حضور جانوران در داستان نامه بهمنیاری

نوع جانوران	تعداد دفعات تکرار	درصد تعداد دفعات تکرار	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین
حیوانات اهلی	۴۳۱	۵۴/۶	۲۱۳	۴۸/۶
حیوانات غیر اهلی	۱۹۷	۲۴/۹	۱۳۲	۳۰/۱
پرندگان	۹۰	۱۱/۴	۳۸	۸/۷
حشرات	۵۷	۷/۲	۴۰	۹/۱
کل	۷۷۵	۱۰۰	۴۲۳	۱۰۰



نمودار ۵: بسامد و درصد حضور جانوران در کتاب داستان نامه بهمنیاری

پی‌نوشت‌ها

1. symbole
2. metaphoric
3. conrentionl public

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۱). *از نشانه‌های تصویری تا متن*. تهران: نشرمرکز.
- براهنی، رضا (۱۳۸۰). *طلا در مس*. ج ۱. تهران: زریاب.
- بهمنیار، احمد (۱۳۶۱). *داستان‌نامه بهمنیاری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تقوی، محمد (۱۳۷۶). *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی*. تهران: روزنه.
- جابز، گرتروود (۱۳۹۷). *فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور*. ترجمه محمدرضا تکاپور. تهران: اختران.
- حسن‌پور آلاشتی، حسین و بهروز آقابابایی رودباری (۱۳۹۶). «نماد در غزل بعد از انقلاب اسلامی (با تأکید بر اشعار ده شاعر شاخص)». *ادبیات پایدار*. س ۹. ش ۱۶. صص ۴۱ - ۶۷.
- حسن‌لی، کاووس و ابراهیم اکبری (۱۳۸۶). «دوگانگی نگاه شاملو و سپهری به پدیده‌ای مشترک (پرنده - کلاغ)». *گوهرگویا*. د ۱. ش ۲. صص ۶۷ - ۸۲.
- دمیری، کمال‌الدین (۱۴۲۴ق). *حیوه الحیوان الکبری*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. تهران: علم.
- رحیمی، امین و همکاران (۱۳۹۳). «نمادهای جانوری نفس در متون عرفانی با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولوی». *متن‌پژوهی ادبی*. س ۱۸. ش ۶۲. صص ۱۴۷ - ۱۷۳.
- سرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۹). *فرهنگ نمادها*. ترجمه مهرانگیز اوحدی. تهران: دستان.
- سلاجقه، پروین (۱۳۹۰). «جستاری در چگونگی کارکرد نمادهای جانوران در اشعار صائب تبریزی و بیدل دهلوی». *فصل‌نامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی*. ش ۲۱. صص ۱۲۱ - ۱۴۰.
- شاملو، احمد (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*. تهران: نگاه.
- شریفی، محمد (۱۳۹۵). *فرهنگ ادبیات فارسی معاصر*. ویراستار محمدرضا جعفری. تهران: نشر نو.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۱). *مکتب‌های ادبی*. تهران: قطره.
- عبداللهی، منیژه (۱۳۸۱). *فرهنگ‌نامه جانوران در ادب فارسی*. تهران: پژوهنده.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- محمودی، مریم و رضا الیاسی (۱۳۹۶). «نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب‌المجالس».
- متن‌شناسی ادب فارسی. ش ۴ (پیاپی ۳۶). صص ۵۷ - ۷۰.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۹). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۲). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه ابوطالب صارمی. تهران: امیرکبیر.

A Study on the Function of Animal Symbols in Persian Proverbs: A Focus on the Story of *Bahmanyari*

Alireza Hajian Nezhad ^{*1} Seyedeh Mozhgan Behzadian ²

1. Associate Professor of Persian Language and Literature, Tehran University.
2. Phd Candidate of Persian Language and Literature, Tehran University.

Received: 28/09/2019

Accepted: 22/02/2020

Abstract

Although proverbs have particular structure and meaning, some rhetoric features can enrich them and increase the range of their meaning potential. One of these features is symbol. This study aims to analyze the animal symbols in some proverbs. To this aim, some animal symbols in proverbs mentioned in *Bahmanyari* will be qualitatively and quantitatively analyzed. There will be some statistical data presented as well as some samples qualitatively investigated in which the name of animals is mentioned, namely, non/domestic animals, birds, and insects. The research method is descriptive-analytic and the sample analysis consists of 6047 proverbs extracted from *Bahmanyari*. The findings suggest that the frequency of the animal symbols ranges from 48.6% (the highest) for domestic animals to 8.7 (the lowest) for birds. Some reasons could be attributed to objectification of abstract concepts, aesthetic features of proverbs, brevity, avoiding direct expression, and euphemism.

Keywords: Proverbs; symbol; *Bahmanyari*; animal symbol.

*Corresponding Author's E-mail: hajiannjd@ut.ac.ir